

ماهیت حقوقی انتقال دیون در ادغام شرکت‌های سهامی

و آثار آن بر طلبکاران و بدهکاران غیر سهام‌دار

* مهدی رشوند بوکانی

** محسن رجالی

*** امین بدیع صنایع اصفهانی

مجله حقوقی دادگستری / سال هفتاد و هفتم / شماره ۸۴ - زمستان ۱۳۹۲

چکیده

یکی از مهم‌ترین موضوعات در بحث ادغام شرکت‌ها، تعیین آثار و تبعات آن بر بازار، سهام‌داران، طلبکاران و بدهکاران غیرسهام‌دار و حتی مصرف‌کنندگان است. در این بین، شرکت‌های سهامی پیش‌قدم هستند. ادغام یعنی «اقدامی که بر اساس آن چند شرکت ضمن محو شخصیت حقوقی خود، شخصیت حقوقی واحد و جدیدی تشکیل دهند یا در شخصیت حقوقی دیگری جذب شوند» و به‌موجب آن، کلیه دارایی، مطالبات، دیون و تعهدات شرکت ادغام‌شونده به شرکت پذیرنده ادغام منتقل می‌شود. به دلیل مزایای فراوان ادغام، رغبت به آن در بین شرکت‌های سهامی بسیار زیاد است. در این مقاله به ماهیت‌شناسی انتقال دیون از شرکت ادغام‌شونده به شرکت پذیرنده ادغام پرداخته شده و در این خصوص با تحلیل و تطبیق نظریات انتقال دین، انتقال طلب، تبدیل تعهد و قائم‌مقامی، آثار ادغام شرکت‌ها بر حقوق و تعهدات طلبکاران و بدهکاران غیرسهام‌دار بررسی شده و نظر برگزیده، تقویت شده است. ناگفته پیداست که گزینش هر یک از

* استادیار گروه حقوق خصوصی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)

Mahdirashvand58@gmail.com

** دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشگاه علامه طباطبایی (ره) (نویسنده مسئول)

Rejali114@gmail.com

*** دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشگاه علامه طباطبایی (ره)

Badiee129@gmail.com

نظریات فوق، آثار حقوقی متفاوتی را برای مشارالیه‌م و بالتبع، سهام‌داران شرکت‌های طرف قرارداد ادغام، در پی خواهد داشت.

کلید واژه :

ادغام، شرکت‌های سهامی، انتقال دین، انتقال طلب، تبدیل تعهد، قائم‌مقامی.

اواسط دهه ۱۸۴۰ تا ۱۸۷۳ را عصر طلایی سرمایه‌داری نامیده‌اند. ویژگی بارز این سال‌ها ظهور شرکت به‌عنوان پدیده جدید اقتصادی و عامل توسعه سریع اقتصاد و در پی آن صنعتی‌شدن آمریکا و قاره اروپاست. توسعه فعالیت‌های تجاری شرکت‌ها، غالباً به دو روش صورت می‌گیرد: گاه، شرکت با افزایش کارکنان خود و خرید یا اجاره ابزارآلات، وسائل حمل‌ونقل و اموال دیگر، ضمن کم‌کردن دست‌واسطه‌ها، میزان تولید خود را بالا می‌برد و سود خود را به حداکثر می‌رساند و گاه، با سایر شرکت‌های تجاری ادغام می‌شود. توسعه شرکت تجاری به روش نخست را رشد داخلی و به روش دوم را رشد خارجی می‌نامند.^۱ رشد داخلی شرکت تجاری با مشکلات خاصی مواجه است، از جمله اینکه ممکن است شرکت فاقد نقدینگی کافی باشد یا مجوز لازم برای پخش محصول را نداشته باشد یا باوجود هر دو، بازاری برای فروش محصولات خود پیدا نکند. همچنین، نصب و راه‌اندازی تجهیزات در بعضی صنایع، خود هزینه‌های بسیاری را به دنبال خود دارد.

اما از آنجاکه ادغام شرکت‌ها بسیار کم‌هزینه‌تر است و در عین حال ثمرات بسیار بیشتری را در بر دارد (به‌عنوان مثال باعث تقویت مدیریت شرکت و افزایش کمی و کیفی محصولات و مانع ورشکستگی شرکت می‌شود) در دهه ۱۸۶۰ بسیاری از شرکت‌های تجاری، مشتاقانه به سمت ادغام گرایش پیدا کردند. با گسترش این نهاد جدید، سؤالات حقوقی زیادی در مورد آن مطرح شد. مثلاً ماهیت قرارداد ادغام چیست؟ قرارداد ادغام از عقود معین است یا غیرمعین؟ آثار ادغام شرکت‌ها چیست؟ و ده‌ها سؤال دیگر که قانونگذاران و بالتبع حقوق‌دانان هر نظام حقوقی با توجه به کلیات و اصول حقوقی پذیرفته‌شده در نظامشان، باید به آن پاسخ دهند. لکن با توجه به اینکه با ادغام شرکت‌ها، کلیه حقوق و تعهدات و دیون و حتی دعاوی له و علیه شرکت ادغام‌شونده، به شرکت پذیرنده ادغام منتقل می‌شود این سؤال مطرح می‌شود که ماهیت این عمل حقوقی چیست؟ آثار آن بر حقوق و تعهدات سهام‌داران و غیرسهام‌داران (اعم از طلبکاران و بدهکاران) چیست؟ در نظام حقوقی ایران ماهیت انتقال حقوق و دیون و در نتیجه آثار آن بر طلبکاران و بدهکاران غیرسهام‌دار، کمتر مورد توجه نویسندگان این عرصه قرار گرفته است. لذا در این مقاله با مطرح‌نمودن

^۱ . John Hampton, Financial Decision Making, Concepts, Problems, And Cases, ۴th ed., New Delhi: Prentice Hall of India, ۱۹۹۰, p.۳۹۲.

نظریه‌های مختلف در خصوص ماهیت انتقال دیون از شرکت ادغام‌شونده به شرکت پذیرنده ادغام (نظریات انتقال طلب، انتقال دین، تبدیل تعهد و قائم‌مقامی)، تحلیل و تطبیق آن‌ها، به ماهیت‌شناسی انتقال مذکور پرداخته و سپس با بیان استدلال‌های تقویت‌کننده نظریه برگزیده، آثار ادغام یک‌جانبه و چندجانبه، بر طلبکاران و بدهکاران غیرسهام‌دار هر یک از شرکت‌های طرف ادغام ارائه شده است.

۱. تعریف ادغام

۱-۱. معنای لغوی:

ادغام در لغت به معنای « فراگرفتن یا داخل کردن چیزی در چیز دیگر »^۱ یا « درهم‌فشردن دو چیز » است.^۲ در فرهنگ لاتین، اصطلاح «merger»، متداول‌ترین واژه مورد استفاده در این معنا است.^۳ معمولاً زمانی از این لفظ استفاده می‌شود که چیزی با چیز کوچک‌تر و کم‌اهمیت‌تر از خود ترکیب می‌شود به نحوی که شیء کوچک‌تر، جزیی از شیء بزرگ‌تر شده و تمایز خود را از دست می‌دهد.^۴

۲-۱. معنای اصطلاحی:

در حقوق انگلیس، ادغام در حقوق شرکت‌های تجاری، به این معنا است که کنترل دو یا چند شرکت تجاری به‌ویژه شرکت سهامی، تحت سیطره یک شرکت تجاری درآید.^۵ در ایالات متحده آمریکا هم که قدرت بازار و عظمت شرکت‌ها را غالباً محصول تملک شرکت‌های دیگر یا ادغام می‌دانند درباره مفهوم ادغام، اختلاف نظر وجود داشته و اصطلاح ادغام به موارد زیر اطلاق شده است: انتقال دارایی‌ها (توسط شرکت فروشنده) در برابر پول یا سهام شرکت خریدار؛ انتقال سرمایه (فروش سهام شرکت) در برابر پول یا سهام شرکت خریدار و ادغام‌ها یا به‌هم‌پیوستگی‌هایی که طبق قوانین ایالتی مربوط

^۱ دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه دهخدا، ج ۱، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۲، ص. ۱۳۳۰؛

عمید، حسن، فرهنگ عمید، مؤسسه انتشارات امیر کبیر، ۱۳۶۹، ص. ۵۳.

^۲ معین، محمد، فرهنگ فارسی، نشر سپهر، چاپ ۸، ۱۳۷۱، ص. ۱۸۱.

^۳ بیگی حبیب‌آبادی، احمد، مطالعه تطبیقی ادغام شرکت‌های سهامی در حقوق انگلیس و آمریکا، رساله دوره دکتری، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۰، ص. ۱۱.

^۴ Joseph, Nolan & Jacqueline Nolan-Haley, Black's law Dictionary, ۶th ed, New York, West Publishing Company, ۱۹۹۰, p.۸۸۸.

^۵ Kenneth W. Clarkson & Roger LeRoy Miller, Industrial Organization, Theory, Evidence, and Public Policy, London, McGraw - Hill Book Company, ۱۹۸۲, p.۳۳۹.

به شرکت‌ها صورت می‌گیرد.^۱ در این تعریف که از سوی نویسندگان حقوق رقابت ارائه شده، جلوگیری از موقعیت مسلط اقتصادی از طریق تغییرات عمده در ساختار بازار مدنظر است و لذا بر به‌هم‌پیوستگی شخصیت‌های حقوقی یا مدیریت‌های به‌هم‌پیوسته در شرکت‌های کنترل‌کننده تأکید می‌شود. به‌عنوان مثال بعضی نویسندگان چنین قلم زده‌اند که نتیجه نهایی ادغام باید مدیریت و تحت کنترل درآوردن شرکت‌های ادغام‌شونده باشد. در غیر این صورت صرف سودبری بدون دخالت و نفوذ در مدیریت، منجر به تشکیل ادغام نمی‌شود^۲ در حالی که در مقررات ایران، در تعریف ادغام فقط به مفهوم به‌هم‌پیوستن شخصیت‌های حقوقی که با محو شخصیت یک یا چند شرکت ملازمه دارد، اشاره شده است.

در نظام حقوقی ایران، در بحث حقوق شرکت‌های تجاری، ادغام عبارت است از «اقدامی که بر اساس آن چند شرکت، ضمن محو شخصیت حقوقی خود، شخصیت حقوقی واحد و جدیدی تشکیل دهند یا در شخصیت حقوقی دیگری جذب شوند» (بند ۱۶ ماده ۱ قانون اصلاح موادی از قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، ۱۳۸۷).^۳ در این مفهوم ادغام از یک سو در مقابل تجزیه قرار دارد؛ بدین معنا که در ادغام، یک شرکت تجاری، کنترل یک شرکت دیگر را از طریق جذب آن در دست می‌گیرد درحالی که در تجزیه غالباً کنترل یک شرکت تجاری در دست دو یا چند شرکت قرار می‌گیرد زیرا تجزیه «اقدامی است که بر اساس آن یک شرکت ضمن محو شخصیت حقوقی خود، دو یا چند شخصیت حقوقی جدید تشکیل دهد» (بند ۱۷ ماده ۱ ق.ا.س.ا. ۴۴). از سوی دیگر در این مفهوم از حیث محو شخصیت حقوقی حداقل یک شرکت، با هم اشتراک دارند.

۲. انواع ادغام

ادغام شرکت‌ها در نظام حقوقی آمریکا به دو صورت انجام می‌پذیرد:

^۱ رشوند بوکانی، مهدی، حقوق رقابت در فقه امامیه، حقوق ایران و اتحادیه اروپا، رساله دوره دکتری، دانشگاه امام صادق(ع)، ۱۳۸۸، ص ۳۶۳.

^۲ Verena Kusstatscher & Cary L Cooper, *Managing Emotion in Merger and Acquisition*, Edward Elgar Publishing, UK, ۲۰۰۵, p. ۲۰.

^۳ تا پایان مقاله از قانون مذکور به اختصار ق.ا.س.ا. ۴۴ یاد می‌کنیم.

۲-۱. ادغام واقعی یا قانونی

در این روش، طرفین قرارداد ادغام، دو یا چند شرکت هستند و سهامداران در انعقاد این عقد نقشی ندارند و به دو صورت انجام می‌پذیرد:

الف. ادغام یک‌جانبه (یا ادغام ساده)^۱

قراردادی است که به‌موجب آن، شرکتی شرکت دیگر را امحا و در خود حل نماید. در نتیجه این قرارداد، شرکت دوم، شخصیت حقوقی خود را از دست می‌دهد و تنها شرکت اول باقی می‌ماند و شخصیت حقوقی و نام خود را حفظ می‌نماید. به عبارت دیگر، مدیریت شرکت دوم، تحت سیطره شرکت اول قرار می‌گیرد.^۲ شرکت اول در قبال سهام سهامداران شرکت دوم، یا وجه نقد می‌پردازد یا ضمن افزایش سرمایه، به مقدار متناسب، سهام شرکت خود را به آن‌ها می‌دهد. اما ادغام شرکت، تأثیر مستقیمی بر سهام سهامداران شرکت اول ندارد. به بیان دیگر در این شیوه از ادغام، کلیه شرکت‌های طرف قرارداد در یک شرکت از مجموع شرکت‌های درگیر در این رابطه قراردادی، ادغام می‌شوند بدون آنکه شرکت جدیدی ایجاد شود.^۳

به‌موجب قرارداد ادغام کلیه دارایی، مطالبات، دیون و تعهدات شرکت دوم به شرکت اول منتقل می‌شود و شرکت اول مسئول کلیه بدهی‌ها و تعهدات شرکت دوم است. همچنین کلیه دعاوی له و علیه شرکت دوم به شرکت اول منتقل می‌شود. این نوع ادغام در ماده ۴۰ قانون برنامه چهارم توسعه و ماده ۱۰۵ قانون پنجم توسعه، مورد اشاره قرار گرفته است. با وجود این، این ادغام با دخالت مستقیم سهامداران در مجمع عمومی فوق‌العاده، قابل انجام است.

ب. ادغام دو یا چندجانبه (ترکیبی)^۴

به‌موجب این قرارداد، طرفین توافق می‌نمایند که دو یا چند شرکت در هم حل شده و شرکت کاملاً جدیدی از آن‌ها به وجود آید. دو شرکت قبلی، شخصیت حقوقی خود را از دست می‌دهند و جزئی از شرکت جدید می‌شوند و شخص حقوقی جدیدی پا به عرصه وجود می‌نهد.

^۱. Merger

^۲. Edwin W. Miller, Merger & Acquisition, Blackwell, New York, 3rd ed, 2008. p. 339.

^۳. Ibid, p. 56.

^۴. Consolidation

ادغام ترکیبی از لحاظ آثار مانند ادغام ساده است و تنها تفاوت آن با ادغام اخیر در خلق یک شخصیت حقوقی جدید است^۱. سهامداران شرکت‌های قبلی در قبال سهام خود، مقدار متناسب از سهام شرکت جدید را دریافت می‌دارند و کلیه دارایی، مطالبات، دیون و تعهدات هر دو شرکت به شرکت جدید منتقل می‌شود.

سهام‌داری که راضی به طرح ادغام نباشد، مجبور نیست سهام شرکت جدید را قبول نماید و حق اعتراض دارد و در این صورت می‌تواند تقاضا نماید که سهام وی با قیمت منصفانه توسط شرکت ادغام‌کننده خریداری شود.

در صورتی که سهام‌داران در ادغام ساده، در قبال سهام خود، تنها سهام شرکت باقی‌مانده را دریافت دارند یا در ادغام ترکیبی تنها سهام شرکت جدید را دریافت دارند، از پرداخت مالیات معاف هستند، چون وجهی در قبال سهام خود دریافت ننموده‌اند و تنها تبادل سهام صورت گرفته است. وضع این قاعده موجب تسهیل امر ادغام و رغبت شرکت‌ها به ادغام می‌شود زیرا سهام‌داران شرکت‌ها می‌توانند بدون پرداخت مالیات ادغام شرکت‌ها را تسهیل نمایند.

۲-۲. ادغام عملی

این ادغام بر دو نوع است :

الف. تحصیل دارایی^۲

ادغام شرکت می‌تواند در نتیجه خریدن دارایی‌های آن توسط شرکت دیگر انجام گردد. بعد از انعقاد قرارداد شخصیت حقوقی شرکتی که دارایی آن خریداری شده باقی می‌ماند، لکن معمولاً پس از فروش دارایی‌ها، شرکت با تصمیم ارکان آن منحل و وجوه حاصله را بین سهام‌داران تقسیم می‌نماید. بطور کلی شرکتی که دارایی‌های شرکت دیگر را خریداری می‌نماید مسئولیتی در قبال تعهدات شرکت فروشنده ندارد. ادغام عملی قبل از تصویب قانون اصلاح موادی از قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی از طرف حقوقدانان مطرح شده بود به نظر این گروه از نویسندگان با توجه به خلأ قانونی درباره ادغام و نظر به اینکه هیچ اکثریتی به‌موجب ماده ۹۴ لایحه قانونی ۱۳۴۷ نمی‌تواند بر تعهدات صاحبان سهام بیفزاید تنها راه حل این است که شرکت

^۱ . Stephen A.Ross & Jeffery F.Jaff , Corporate Finance, ۳rd ed, Richard d. Irwin Publisher, Tokyo, ۲۰۰۴, p.۷۶۵.

^۲ . Acquisition of asset

ادغام‌شونده با تصمیم مجمع عمومی منحل و سپس، شرکت جدیدی تشکیل شود؛ امری که نتایج نامطلوبی دارد و مستلزم تصفیه شرکت‌هاست. در این نوع ادغام نظر به این که امر تصفیه مقدم بر ادغام است، مسایل مربوط به روابط بدهکاران و طلبکاران شرکت ادغام‌شونده در فرض ادغام، قابل طرح نیست.^۱

ب. تحصیل سهام^۲

در این نوع ادغام، قرارداد بین یک شرکت و سهام‌داران شرکت دیگر منعقد می‌شود. به بیان دیگر، ممکن است ایجاب شرکت ادغام‌کننده توسط هیئت‌مدیره شرکت مورد ادغام رد شود. در این حالت، هیئت‌مدیره شرکت ادغام‌کننده ممکن است با خود سهام‌داران وارد معامله شود و مستقیماً سهام سهام‌داران را خریداری نماید و سپس وقتی مقدار سهام متناسب را تحصیل نمود موجبات انحلال شرکت را فراهم آورد. هنگامی که شرکتی سهام شرکت دیگر را تحصیل می‌نماید، رابطه جدید بین آن‌ها معمولاً از نوع شرکت مادر^۳ و شرکت تابع^۴ است. خرید سهام شرکت دیگر بدین منظور انجام می‌گیرد که شرکت خریدار، کنترل شرکت دیگر را بر عهده بگیرد و بدین وسیله هیئت‌مدیره شرکت را تغییر داده یا در تصمیمات مجمع عمومی اکثریت را به دست آورد.^۵ در این مقاله به دلیل اقلیت حاکم در ادغام‌ها، صرفاً به ادغام واقعی یا قانونی، اعم از ادغام یک‌جانبه و ادغام دو یا چندجانبه پرداخته شده است.

۳. آثار ادغام بر اشخاص حقیقی و حقوقی مرتبط با شرکت‌های ادغام‌شونده و پذیرنده ادغام

۳-۱. آثار ادغام بر اشخاص حقیقی و حقوقی بستانکار

بزرگ‌ترین اشکال و مهم‌ترین چالشی که در موضوع ادغام شرکت‌ها مطرح می‌شود تعارض ادغام با حقوق طلبکاران شرکت‌ها، به‌ویژه حقوق طلبکاران شرکت ادغام‌شونده است چرا که غالباً ادغام‌ها بدون رضایت طلبکاران صورت می‌گیرد هرچند این ایراد در

^۱. اسکینی، ربیعا، حقوق تجارت، شرکت‌های تجاری، جلد اول، شرکت چاپ و نشر بازرگانی، چاپ چهارم، ۱۳۷۹، صص. ۴۶-۴۷.

^۲. Acquisition of stock

^۳. Holding company

^۴. Subsidiary

^۵. بیگی حبیب‌آبادی، مطالعه تطبیقی ادغام شرکت‌های سهامی در حقوق انگلیس و آمریکا، پیشین، ص.

تمام نظام‌های حقوقی مطرح است لکن در نظام حقوقی ایران، مشکل دوچندان است زیرا قانونگذار ایران، در کلیات حقوق مدنی، رضایت طلبکار را جهت انتقال دین ضروری می‌داند و از سوی دیگر، سال‌ها پس از تصویب قانون مدنی، تأسیس حقوقی ادغام را پذیرفته است و مقنن در ماده ۴۰ قانون برنامه چهارم مقرر داشته است: «... کلیه حقوق و تعهدات، دارایی و دیون و مطالبات شرکت یا شرکت‌های موضوع ادغام به شرکت پذیرنده ادغام یا شرکت جدید انتقال خواهد یافت...»

۳-۱- آثار ادغام بر اشخاص حقیقی و حقوقی بستانکار از شرکت‌های ادغام‌شونده

در خصوص ماهیت انتقال دیون شرکت ادغام‌شونده به شرکت پذیرنده ادغام، چه در نوع ادغام ساده و چه در نوع ادغام ترکیبی به چند نظریه می‌توان اشاره کرد از جمله نظریه انتقال دین، تئوری تبدیل تعهد از طریق تبدیل مدیون و نظریه قائم‌مقامی که هر یک در نوع خود، بسیار بحث‌برانگیز بوده و آثار حقوقی متفاوتی دارد. ذیلاً به هر یک از مباحث مذکور و ارتباط آن‌ها با ادغام شرکت‌ها پرداخته می‌شود.

الف. نظریه انتقال دین^۱

(۱) مفهوم انتقال دین

انتقال دین چنانچه از نام آن برمی‌آید به جابه‌جایی دین از دارایی مدیون به دارایی دیگری گفته می‌شود. در انتقال دین آنچه مدیون در اختیار دارد با همه مزایا و محدودیت‌های آن به انتقال‌گیرنده منتقل می‌شود و نباید آن را با تبدیل تعهد اشتباه کرد. در مورد انتقال دین، تقسیم‌بندی‌های گوناگونی وجود دارد از جمله اینکه آن را به اعتبار سبب و چگونگی انتقال، به دو گروه قهری و قراردادی تقسیم می‌کنند:

۱. در انتقال قهری که در نتیجه مرگ مدیون رخ می‌دهد دیون متوفی همراه با سایر عناصر دارایی او به بازماندگان می‌رسد. در این مورد می‌توان به ماده ۲۴۸ قانون امور حسبی^۲ اشاره کرد.

^۱. Cession de dette

^۲. ماده ۲۴۸ قانون امور حسبی که یکی از نشانه‌های انتقال دین به وارثان شخص است چنین بیان می‌دارد که: در صورتی که ورثه ترکه را قبول نمایند هر یک مسئول تمام دیون نسبت به سهم خود خواهند بود مگر اینکه ثابت کنند دیون متوفی زاید بر ترکه بوده یا ثابت کنند که پس از فوت متوفی ترکه بدون تقصیر آن‌ها تلف شده و باقی‌مانده ترکه برای پرداخت دیون کافی نیست که در این صورت نسبت به زاید از ترکه مسئول نخواهند بود.

۲. انتقال قراردادی و خاص دین، که در نتیجه تراضی مدیون با شخص ثالث واقع می‌شود و طلبکار در آن نقشی ندارد. در اثر این قرارداد، دین از ذمه مدیون به عهده شخص ثالثی (انتقال‌گیرنده) انتقال می‌یابد؛ مدیون در برابر طلبکار بری می‌شود و جای خود را به ثالث (مدیون) می‌دهد.^۱ البته این نوع انتقال دین در حقوق ایران پذیرفته نیست. از قراردادهایی که در حقوق ایران، سبب انتقال دین به ثالثی می‌شوند عقد ضمان (۶۸۴ و ۶۹۸ ق.م) است که سبب انتقال دین، به ضامن می‌شود و نیز عقد حواله (۷۲۴ ق.م) است که محیل، دینی را که به محال دارد به محال‌علیه انتقال می‌دهد تا او بپردازد. لازم به ذکر است که بسیاری از استادان معتقدند که عقد ضمان، انتقال دین به معنای خاص کلمه نیست بلکه تبدیل تعهد است و انتقال دین به این معناست که ثالثی دین مدیونی را بر عهده بگیرد. در انتقال دین، رضایت دائن شرط است. این نظر با مواد مندرج در قانون مدنی در باب ضمان و حواله همخوانی دارد.^۲

دکتر کاتوزیان نیز معتقد است تراضی ضامن و بدهکار، هیچ اثری در انتقال دین نمی‌گذارد و انتقال، به تراضی ضامن و طلبکار نیاز دارد.^۳

پس انتقال قهری دو تفاوت اساسی با انتقال قراردادی دارد؛ نخست اینکه، دین به‌گونه‌ای مستقل و خاص انتقال نمی‌یابد و همراه مجموعه‌ای از مطالبات و اعیان اموال است که به انتقال دارایی تعبیر می‌شود در حالی که در انتقال قراردادی، دینی از یک دارایی جدا و به دارایی دیگر می‌پیوندد. دوم اینکه سبب این انتقال قهری و جمعی، مرگ است و تنها میان مورث و وارثان او واقع می‌شود ولی انتقال قراردادی، رویدادی میان زندگان است و به حکومت اراده آنان منسوب می‌شود.

تقسیم‌بندی دیگری که از انتقال دین می‌توان ارائه داد تقسیم‌بندی آن از جهت مستقیم یا غیرمستقیم بودن انتقال دین است.

۱. انتقال غیرمستقیم دین، به چند طریق ممکن است که هرچند موضوع اصلی این طرق، انتقال دین نیست لیکن آن را به همراه دارد مانند :

۱. کاتوزیان، ناصر، نظریه عمومی تعهدات، میزان، چاپ پنجم، ۱۳۸۹، ص. ۲۸۰.

۲. بهرامی‌احمدی، حمید، حقوق تعهدات و قراردادها با مطالعه تطبیقی در فقه مذاهب اسلامی و نظام‌های حقوقی، دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۰، ص. ۶۵۴.

۳. کاتوزیان، ناصر، قواعد عمومی قراردادها، جلد سوم، شرکت سهامی انتشار، چاپ پنجم، ۱۳۸۷،

- انتقال قرارداد یا مجموعه‌ای از دیون و مطالبات ناشی از عقد که به معنی انتقال موقعیت قراردادی است.

- شرط به نفع شخص ثالث به‌عنوان وسیله پرداخت

- تبدیل تعهد از راه جانشینی مدیون که در این فرض شخص ثالث در قراردادی که با مدیون می‌بندد قبول می‌کند تا دین او را اداء نماید.^۱

۲. انتقال مستقیم دین به این معناست که مدیون یا طلبکار، خود به‌تنهایی عهده‌دار انتقال دین شوند و در این زمینه با دیگری پیمان انتقال دین ببندند.

۲) تحلیل و تطبیق نظریه انتقال دین در خصوص ماهیت انتقال دیون در ادغام شرکت‌ها

در این قسمت در پی یافتن پاسخ این سؤال هستیم که آیا ماهیت انتقال دیون شرکت ادغام‌شونده به شرکت پذیرنده ادغام، همان مبانی نظریه انتقال دین است؟ چنان که در بالا هم اشاره کردیم به‌موجب قرارداد ادغام و قانون، کلیه دارایی، مطالبات، دیون و تعهدات شرکت دوم (یعنی شرکت ادغام‌شونده) به شرکت اول (یعنی شرکت پذیرنده ادغام) منتقل می‌شود و شرکت اول مسئول کلیه بدهی‌ها و تعهدات شرکت دوم است. همچنین کلیه دعاوی له و علیه شرکت دوم به شرکت اول منتقل می‌شود. بنابراین؛

اولاً انتقال دین در ادغام قانونی شرکت‌ها، به نحو قراردادی و قانونی است نه قهری. ثانیاً انتقال دین، به روش غیرمستقیم است نه مستقیم.

ثالثاً شرکت ادغام‌شونده، مدیونی است که دین خود را به ثالثی (شرکت پذیرنده ادغام) منتقل می‌کند بدون اینکه در این انتقال دین، رضایت طلبکاران خود را سابقاً جلب کرده باشد.

به این ترتیب، نظر به اینکه این قرارداد که بین مدیون اول (شرکت ادغام‌شونده) و مدیون دوم (شرکت پذیرنده ادغام) منعقد شده است در نظام حقوقی ایران، با مبانی نظریه انتقال دین قابل توجیه نیست چرا که طلبکار در این قرارداد انتقال دین، نقشی ندارد در حالی که برای او بسیار مهم است که چه کسی عهده‌دار پرداخت دین می‌شود زیرا چنان‌که می‌دانیم ارزش هر طلب، به دارایی و اعتبار مالی و اخلاقی بدهکار بستگی دارد و جابه‌جایی آن، برای طلبکار، خطری مسلم است و احتمال دارد به از بین رفتن

^۱. کاتوزیان، ناصر، نظریه عمومی تعهدات، پیشین، ص ۲۸۷.

حق او منتهی شود. بنابراین انتقال مستقیم دین بدون رضایت طلبکار، با عنایت به اصل نسبی بودن قراردادها در نظام حقوق ایران جایز نیست چرا که معاملات و عقود طرفین «فقط» درباره متعاملین و قائم مقام قانونی آنها مؤثر است (مواد ۲۳۱ و ۱۹۶ قانون مدنی). این گفته (عدم صحت انتقال مستقیم دین، بدون رضایت طلبکار) در میان حقوق دانان فرانسوی نیز مورد قبول واقع شده است به این بیان که مدیون نمی تواند بدون دخالت طلبکار، دین را به دیگری منتقل کند و ذمه خویش را بری سازد. (کاربونی، ج ۴، ص ۴۹۳ - مازو، ج ۲، ش ۱۲۷۷ و ۱۲۸۱ - ویل، تعهدات، ش ۹۵۵ - پلنیول و ریپر، ج ۷، ش ۱۱۴۲ - کولن و کاپیتان و لاموراندر، ج ۲، ش ۱۶۷۳)^۱

ب. نظریه تبدیل تعهد

۱) مفهوم تبدیل تعهد

تبدیل تعهد عبارت است از اینکه تعهدی جانشین تعهد دیگر شود و تعهد سابق از بین برود.^۲ در واقع تبدیل تعهد، در نتیجه تغییر یکی از ارکان تعهد سابق حاصل می شود به طوری که تعهد اول ساقط و تعهدی جدید جایگزین آن شود^۳ ماده ۲۹۲ قانون مدنی در این زمینه مقرر می دارد: «تبدیل تعهد در موارد زیر حاصل می شود: ۱. وقتی که متعهد و متعهدله به تبدیل تعهد اصلی به تعهد جدیدی که قائم مقام آن می شود به سببی از اسباب تراضی نمایند. در این صورت متعهد نسبت به تعهد اصلی بری می شود؛ ۲. وقتی که شخص ثالثی با رضایت متعهدله قبول کند که دین متعهد را ادا نماید؛ ۳. وقتی که متعهدله مافی الذمه متعهد را به کسی دیگر منتقل نماید». برابر این ماده، تبدیل تعهد به سه قسم تقسیم شده است: الف - تبدیل تعهد از طریق تبدیل دین ب - تبدیل تعهد از طریق تبدیل مدیون ج - تبدیل تعهد از طریق تبدیل دائن. با توجه موضوع بحث، به مفهوم تبدیل تعهد از طریق تبدیل مدیون پرداخته می شود.

۲) مفهوم تبدیل تعهد از طریق تبدیل مدیون

هرگاه شخص ثالثی با رضایت متعهدله قبول کند که دین متعهد را ادا نماید، دین اصلی ساقط و تعهد شخص ثالث جای آن را می گیرد (بند ۲ ماده ۲۹۲ قانون مدنی). باید توجه داشت که رضایت مدیون در این نوع تبدیل، شرط نیست و

^۱ به نقل از: کاتوزیان، ناصر، نظریه عمومی تعهدات، پیشین، ص. ۲۹۳.

^۲ شهیدی، مهدی، سقوط تعهدات، انتشارات مجد، چاپ نهم، ۱۳۸۸، ص. ۱۸۴.

^۳ صفایی، حسین، قواعد عمومی قراردادها، جلد دوم، میزان، چاپ ششم، ۱۳۸۷، ص. ۲۵۵.

هرکس می‌تواند پرداخت دین دیگری را حتی بدون موافقت و اجازه او به عهده بگیرد.^۱ از مصادیق تبدیل تعهد به اعتبار تبدیل مدیون می‌توان به عقد ضمان که موجب انتقال دین از ذمه مضمون‌عنه به ذمه ضامن است اشاره نمود. بعضی از حقوق‌دانان اعتقاد دارند که مفهوم تبدیل به اعتبار تبدیل مدیون، نهادی قدیمی و بی‌فایده است و این‌گونه بیان می‌نمایند که: «تبدیل تعهد تنها در موردی به کار می‌آید که دو طرف تعهد بخواهند موضوع یا سبب آن را تغییر دهند وگرنه برای تبدیل مدیون و طلبکار، نیازی به این وسیله قدیمی که زاده تاریخ فرانسویان است وجود ندارد».^۲

۳) تفاوت تبدیل تعهد از طریق تبدیل مدیون و انتقال دین

می‌توان گفت که اغلب حقوق‌دانان بر تفاوت ماهیتی بین این دو نهاد حقوقی اتفاق نظر دارند به‌عنوان نمونه بعضی از حقوق‌دانان این‌گونه بیان می‌دارند که «در تبدیل تعهد، تعهد اصلی از بین می‌رود و تعهد جدید جایگزین آن می‌شود در صورتی که در انتقال دین، تعهد اصلی زایل نمی‌گردد و فقط موضوع تعهد یعنی دین از ذمه متعهد اصلی به ذمه متعهد جدید انتقال می‌یابد».^۳ بعضی دیگر از حقوق‌دانان با بیان دیگری این بحث را مطرح می‌کنند که: «تبدیل تعهد به وسیله تبدیل مدیون، قراردادی است بین متعهد جدید و متعهدله که موجب سقوط تعهد قبلی و پدیدآمدن تعهد جدید می‌شود. به همین دلیل تضمینات تعهد سابق به تعهد جدید تعلق نمی‌گیرد لیکن در انتقال دین، تعهد قبلی با تمام ویژگی‌های آن به متعهد جدید انتقال می‌یابد. تعهد قبلی ساقط نمی‌شود و فقط مدیون جدید قائم‌مقام متعهد پیشین می‌گردد».^۴ در مقابل عده‌ای دیگر از حقوق‌دانان، قائل به تفاوتی بین این دو نهاد نبوده و در توضیح مفهوم تبدیل تعهد، بند ۱ ماده ۲۹۲ قانون مدنی را مصداق تبدیل تعهد و بندهای ۲ و ۳ را به جای تبدیل تعهد، مصادیقی از انتقال دین و طلب در نظر گرفته‌اند و به عبارتی دقیق‌تر معتقدند: «در بند ۱ ماده ۲۹۲ قانون مدنی، تعریف تبدیل تعهد را آورده‌اند و در بند ۲ و ۳ انتقال

۱. همان، ص. ۲۷۵.

۲. کاتوزیان، ناصر، عقود اذنی-وثیقه‌های دین، دوره عقود معین، جلد چهارم، شرکت سهامی انتشار، چاپ پنجم، ۱۳۸۵، ص. ۳۳۳.

۳. شهیدی، پیشین، ص ۱۸۷، شهیدی، مهدی، حقوق مدنی ۳، تعهدات، انتشارات مجد، چاپ سیزدهم، ۱۳۸۸، ۱۵۰.

۴. صفایی، پیشین، ص ۲۵۸.

دین و طلب را به جای تبدیل تعهد نهاده‌اند.^۱ در واقع این عده بر این نظر هستند که قانون مدنی نهاد تبدیل تعهد را به اعتبار تبدیل مدیون نپذیرفته و آن را انتقال دین یا طلب در نظر گرفته است و سیر تاریخی شکل‌گیری آن‌ها را نیز دلیل دیگری بر ادعای خویش بیان می‌کنند چرا که اعتقاد دارند از نظر تاریخی جامعه در ادواری که با انتقال طلب و انتقال دین آشنا نبود، احتیاجات خود را از طریق تبدیل تعهد رفع می‌نمود ولی به تدریج که انتقال طلب و انتقال دین را پذیرفت از تبدیل تعهد بی‌نیاز گردید.^۲ در نتیجه با این بیان، تفاوتی بین این دو نهاد حقوقی قائل نیستند و در جای دیگر برای تأیید این نظر اشاره می‌کنند که: «آنچه در عالم اعتبار رخ می‌دهد در هر دو نهاد یکسان است. هدف این است که دین بر ذمه دیگری قرار گیرد و مدیون اصلی رها شود و دو طرف، چیزی جز این امر بسیط نمی‌خواهند منتهی آنکه تحقق این خواست را منوط به گسستن رابطه پیشین و ایجاد رابطه‌ای نو می‌داند، تغییر مدیون را به دو عمل حقوقی اسقاط و ایجاد تجزیه می‌کند و ارتباط میان آن دو را با پیوندی مستحکم تأمین می‌سازد. برعکس، در اندیشه‌های پخته‌تر، نیازی به این تجزیه صوری احساس نمی‌شود و می‌گویند اراده حاکم بر انتقال ذمه نیز توانا است و این انتقال بدون شرکت مدیون اصلی امکان دارد: یعنی مدیون جدید می‌تواند در قراردادی که با طلبکار می‌بندد پذیرای دین دیگری شود».^۳ لذا می‌توان این نظر را این‌چنین بیان کرد که فایده عملی در تفاوت قائل شدن بین این دو نهاد نمی‌بینند.

همچنین در جای دیگر چنین بیان می‌دارند که: «آنچه در قانون مدنی آمده «تبدیل تعهد» است و این تبدیل تعهد هیچ ملازمه‌ای با اسقاط تعهد و ایجاد تعهد دیگری به جای آن ندارد و ممکن است از راه تغییر نیز صورت پذیرد و به همین جهت تبدیل تعهد در واقع از اسباب تغییر و دگرگونی تعهد است نه اسقاط آن».^۴

۴) اصل عدم تبدیل تعهد

با توجه به اصل عملی استصحاب در اینجا نیز چون وقوع قصد برای تبدیل تعهد، یک واقعه خارجی است و اصل عدم وقوع چنین قصدی است در نتیجه می‌توان

۱. کاتوزیان، عقود اذنی-وثیقه‌های دین، پیشین، ص. ۳۳۳.

۲. امامی، سیدحسن، حقوق مدنی، جلد اول، انتشارات اسلامی، ۱۳۶۳، ص ۲۴۵.

۳. کاتوزیان، ناصر، نظریه عمومی تعهدات، میزان، چاپ پنجم، ۱۳۸۹، ص ۳۱۹.

۴. همان، ص. ۳۰۷.

گفت که هر جا تعهدی ساقط و رابطه جدیدی به جای آن قرار گیرد، نمی‌توان پذیرفت که تبدیل تعهد انجام شده است بلکه باید قصد ترکیب و ایجاد پیوند نیز احراز شود و در دعوی تبدیل تعهد، مدعی کسی است که به تحقق چنین انشای مشترکی تکیه می‌کند. در نتیجه در مقام تردید نسبت به وقوع تبدیل تعهد، باید اصل عدم را جاری ساخت.^۱

۵) تحلیل و تطبیق نظریه تبدیل تعهد در موضوع ادغام

با توجه به مطالبی که در بالا بیان شد می‌توان چنین اظهار نظر کرد که تبدیل تعهد، زمانی واقع می‌شود که طرفین تعهد، درباره موضوع تبدیل تعهد تراضی نمایند ولی دانستیم که تبدیل تعهد، عمل حقوقی پیچیده‌ای است که باید تمام مراحل آن مقصود بوده باشد در نتیجه باید دو طرف قصد ایجاد تعهد جدید را داشته باشند و ایجاد تعهد جدید نیز باید به منظور زوال تعهد پیشین باشد^۲ ولی در مورد انتقال دیون در ادغام شرکت‌های سهامی، این شرایط محقق نیست و در نتیجه نمی‌توان این عمل حقوقی را مصداقی از نهاد تبدیل تعهد از طریق تبدیل مدیون در نظر گرفت چرا که در ادغام شرکت‌های سهامی، طرفین قصدی بر ایجاد تعهد جدید نداشته، بلکه مقصود اصلی آن‌ها انتقال دیون شرکت ادغام‌شونده با تمام ویژگی‌های آن به شرکت پذیرنده ادغام است. در نتیجه تعهد جدیدی نیز برای شرکت ایجاد نمی‌شود. از طرف دیگر شرکت‌های ادغام‌شونده و پذیرنده ادغام، تعهد و دیون قبلی را ساقط نمی‌کنند و قصد و انشائی در مورد زوال تعهد پیشین ندارند بلکه صرفاً طرفین بر انتقال دیون از شرکت ادغام‌شونده به شرکت پذیرنده ادغام توافق می‌کنند. علاوه بر این دلایل، در صورتی که در مورد ماهیت انتقال دیون در شرکت‌های سهامی، تردید حاصل شود که مصداق نهاد تبدیل تعهد است یا خیر، با استفاده از اصل عدم تبدیل تعهد، می‌توان گفت که این عمل حقوقی، تبدیل تعهد از طریق تبدیل مدیون نخواهد بود.

ولی در هر حال، در صورتی که این عمل حقوقی را تبدیل تعهد هم در نظر بگیریم، طلبکار شرکت ادغام‌شونده برای این تبدیل تعهد باید رضایت داشته باشد در حالی که چنین شرطی موجب کندی روند ادغام می‌شود و با اصل سرعت که

^۱. همان، ص. ۳۲۲.

^۲. همان، ص. ۳۲۱.

یکی از اصول اساسی در قواعد تجاری است، سازگاری ندارد. به همین دلیل در مقررات نیز چنین شرطی پیش بینی نشده است.

ج. نظریه قائم مقامی:

در بحث قائم مقامی ابتدا این نهاد حقوقی تعریف و سپس انواع آن بیان و در آخر نیز به تحلیل و تطبیق آن با مسئله انتقال دیون ناشی از ادغام شرکت‌ها اشاره خواهد شد.

(۱) مفهوم قائم مقامی

در تعریف قائم مقامی تعاریف گوناگونی بیان شده است. به عنوان مثال به نظر برخی قائم مقام قانونی کسی است که در حقوق و تکالیف طرف معامله، جایگزین او می‌شود.^۱ به گفته برخی دیگر، قائم مقام، نه یکی از دو طرف عقد است و نه نماینده آنان بلکه بیگانه‌ای است که به دلیل انتقال حقی از سوی یکی از دو طرف به او، جانشین طرف اصلی می‌شود و عهده‌دار اجرای مفاد عقد است.^۲ در حقیقت این عده قائم مقام را شخصی می‌دانند که به طور مستقیم یا به وسیله نماینده خود در تراضی شرکت نداشته ولی در نتیجه انتقال تمام یا بخشی از دارایی یکی از دو طرف به او جانشین طرف قرارداد و عهده‌دار و بهره‌مند از اجرای آن شده است.^۳ به نظر برخی دیگر، قائم مقام قانونی به کسی گویند که مستقیماً در قرارداد مداخله نداشته اما اثرات قرارداد به جهتی از جهات، از متعاملین به وی سرایت می‌نماید. قائم مقامان قانونی عبارتند است از وارث، منتقل‌الیه و طلبکار.^۴ برخی استادان در تعریف قائم مقام چنین گفته‌اند: «کسی که حق یا تکلیف و تعهد به سبب عقد یا ایقاع یا واقعه حقوقی مانند ارث به او منتقل می‌شود قائم مقام نامیده می‌شود».^۵ در حقوق فرانسه، قائم مقامی این گونه تعریف شده: «جانشینی یک شیء به جای شیء دیگر و جانشینی یک شخص به جای شخص دیگر در یک رابطه حقوقی».^۶ در تعریف اجمالی قائم مقامی و در مفهوم کلی تر آن نیز می‌توان

۱. صفایی، پیشین، ص. ۱۶۷. ن.ک: شمس، عبدالله، آیین دادرسی مدنی، ج ۱، میزان، ۱۳۸۰، ص ۳۲۲.

۲. کاتوزیان، قواعد عمومی قراردادها، پیشین، ص. ۲۴۵.

۳. همان، ص. ۲۴۶.

۴. امامی، پیشین، ص ۲۳۴، شهیدی، حقوق مدنی ۳، پیشین، ص. ۱۰۹.

۵. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، جلد چهارم، گنج دانش، ۱۳۷۸، ص. ۲۸۲۶.

۶. دارویی، عباسعلی، قائم مقامی با پرداخت، رساله دوره دکتری، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، ۱۳۸۳، ص. ۱۳.

چنین گفت: «جانشینی شخص در موقعیت حقوقی شخص دیگری را به حکم قانون یا قرارداد قائم‌مقامی گویند».

گاه شخص ثالثی به واسطه پرداخت دین مدیون به طلبکار وی جانشین طلبکار شده و به قائم‌مقامی او حق مراجعه به مدیون را پیدا می‌کند. در حقوق فرانسه به این نوع جانشینی subrogation گفته شده و در پاره‌ای از قوانین (ماده ۳۰ قانون بیمه مصوب ۱۳۱۶) و نوشته‌های حقوقی به قائم‌مقامی ترجمه شده است. در پاره‌ای از قوانین نیز قائم‌مقامی ناشی از انتقال مال بوده و اشخاصی را که دارایی یا اموال دیگری به آنان منتقل می‌شود، قائم‌مقام ناقل یا مالک قبلی محسوب می‌نمایند. بر همین مبنا است که وارث را قائم‌مقام مورث و خریدار را در مال مورد معامله، قائم‌مقام فروشنده می‌شناسند.

۲) انواع قائم‌مقام

قائم‌مقامی به معنایی که بیان شد به لحاظ وسعت آن در حقوق و تکالیف، به دو نوع عام و خاص تقسیم می‌شود:

الف. قائم‌مقام عام: کسی است که در کلیه حقوق و تکالیف شخص جایگزین او می‌گردد.^۱ در قائم‌مقامی عام، تمام حقوق و تعهدات مربوط به دارایی به شخص جانشین منتقل می‌شود. قائم‌مقامی عام بر مبنای انتقال مجموع دارایی (به معنای اصطلاحی آن یعنی مجموع حقوق و تکالیف مالی شخص^۲ یا بخش مشاعی از آن استوار است. چنانچه می‌دانیم کلیه حقوق و تعهدات مالی شخصی به دارایی او می‌پیوندد. وقتی که همه دارایی یا جزء مشاع آن، به اعتبار اینکه بخش مشاع در مجموع دارایی پراکنده است، به شخص دیگری منتقل می‌شود، کلیه حقوق و تعهدات صاحب دارایی نیز همراه، آن به منتقل‌الیه می‌رسد. پس انتقال‌گیرنده به دلیل اینکه در مجموع، حقوق و تعهدات مالی صاحب دارایی جانشین او می‌شود قائم‌مقام عام نام گرفته است.^۳

وارث هرکسی قائم‌مقام عام او است. ورثه به‌نحو قهری قائم‌مقام عام مورث خود می‌شوند و مجموعه‌ای از اموال و حقوق و تعهدات مورث به ورثه منتقل می‌شود. ورثه به‌عنوان قائم‌مقام عام مورث می‌توانند اجرای تعهدات قراردادی

۱. صفایی، پیشین، ص. ۱۶۷.

۲. صفایی، حسین و مرتضی قاسم‌زاده، حقوق مدنی: اشخاص و مجبورین، سمت، ۱۳۸۹، ص. ۳۸۷.

۳. مولودی، محمد، «قائم‌مقام خاص متعاقدين»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۶۴، تابستان ۱۳۸۳، ص. ۲۲۱.

را که مورث در زمان حیات منعقد نموده از متعهدعلیه بخواهند و بالعکس چنانچه مورث به موجب قرارداد، متعهد به انجام کاری بوده است، متعهدله می‌تواند اجرای آن را از ورثه بخواهد.^۱ البته لازم به ذکر است وراثی که ترکه را قبول کرده‌اند فقط در مورد حقوق و تکالیف متعلق به ترکه، قائم‌مقام مورث محسوب می‌شوند نه آنچه به شخصیت وی وابسته است.^۲ افزون بر این، قائم‌مقام ورثه تا میزان عناصر مثبت دارایی مورث است.

ب. **قائم‌مقام خاص:** اگر شخص مالی را به دیگری انتقال دهد، انتقال‌گیرنده درباره حقوق و تعهدات مربوط به آن مال، جانشین انتقال‌دهنده خواهد بود و از این رو وی را قائم‌مقام خاص گویند. انتقال مال یا اموال معین سبب می‌شود که منتقل‌الیه، نه در حقوق و تعهدات ناقل، بلکه تنها در حقوق و تعهدات مربوط به مال یا اموال مورد انتقال به وی، جانشین انتقال‌دهنده شود و به همین اعتبار قائم‌مقام خاص نامیده می‌شود.^۳ این مطلب خلاف اصل نسبی بودن قرارداد است و فقط در حقوق و تعهدات عینی است که منتقل‌الیه را می‌توان قائم‌ناقل تلقی کرد.^۴

قائم‌مقامی را به اعتبار منشأ آن می‌توان به دو قسم قانونی و قراردادی تقسیم نمود:

الف. **قائم‌مقامی قانونی:** چنانچه جانشینی مستقیماً و به حکم قانون صورت گرفته باشد آن را قائم‌مقامی قانونی گویند مانند قائم‌مقامی بیمه‌گر در حقوق بیمه‌گذار یا جانشینی ثالثی که وجه سند تجاری را می‌پردازد یا غاصبی که به مالک خسارت می‌پردازد. در معجم اللغات آمده: «قائم‌مقامی قانونی عبارت است از جانشینی شخصی که دین دیگری را به حکم قانون و به دائن وی پرداخته است».^۵

ب. **قائم‌مقامی قراردادی:** اگر قائم‌مقامی ناشی از قرارداد باشد قائم‌مقامی قراردادی خواهد بود^۶ به طوری که طرفین در قراردادی تعهد می‌کنند که

^۱ انتقال تعهدات به وراث منوط به قبول ترکه از ناحیه آنان می‌باشد. (ماده ۲۴۸ و ۲۵۸ قانون امور حسبی، مصوب ۱۳۱۹).

^۲ کاتوزیان، قواعد عمومی قراردادها، پیشین، ص. ۲۴۸.

^۳ مولودی، پیشین، ص. ۲۲۱.

^۴ کاتوزیان، قواعد عمومی قراردادها، پیشین، ص. ۲۵۵.

^۵ عبدالله، احمد عزالدین، معجم القانون، القاهرة، الهیئه العامه لشئون المطابع الأمیره، ۱۴۲۰هـ.ق، ص. ۸۸.

^۶ جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، انتشارات بنیاد راستار، ۱۳۶۳، ص. ۵۰۹.

شخصی به‌عنوان جانشین یکی از طرفین قرارداد باشد. کتاب لغت در تعریف آن چنین آورده است: «جانشینی پرداخت‌کننده دین دیگری در جای مدیون در صورتی که پرداخت با توافق میان دائن و مدیون صورت گرفته باشد قائم-مقامی قراردادی است»^۱.

۳) تحلیل و تطبیق نظریه قائم‌مقامی

در تحلیل این مطلب باید ابتدا این موضوع را تعیین نمود که ماهیت انتقال دیون در اثر ادغام شرکت‌های سهامی با کدام مفهوم قائم‌مقامی قابلیت تطبیق دارد. در بحث ماهیت انتقال دیون از شرکت ادغام‌شونده به شرکت پذیرنده ادغام، در فرض وجود قائم‌مقامی در بحث انتقال دیون، قائم‌مقامی از نوع قائم‌مقامی ناشی از انتقال مال است نه به‌واسطه پرداخت، زیرا در ادغام شرکت‌ها پرداختی از سوی طرفین یا شخص ثالث صورت نمی‌گیرد بلکه تنها دیون از شرکت ادغام‌شونده به شرکت پذیرنده ادغام منتقل می‌شود که با توجه به اینکه اکثر حقوق‌دانان دیون را نیز جزء دارایی در نظر می‌گیرند^۲، می‌توان گفت که در اینجا بر فرض وجود قائم‌مقامی، قائم‌مقامی از نوع انتقال مال بوده نه قائم‌مقامی در اثر پرداخت.

از طرف دیگر نیز باید به این نکته توجه نمود که در نتیجه ادغام، ماهیتاً شخصیت حقوقی شرکت‌های ادغام‌شونده منحل می‌شود. در نتیجه راه‌حلی به‌جز قائم‌مقام‌بودن شرکت پذیرنده ادغام در برابر طلبکاران وجود ندارد زیرا عملاً تنها راه وصول مطالبات طلبکاران از شرکت ادغام‌شونده، رجوع به شرکت پذیرنده ادغام است و این همان مفهوم قائم‌مقامی است که در اکثر عقود معاوضی وجود دارد و قانون آن را تشریح کرده است.

دانستیم که قائم‌مقامی در اثر انتقال مال نیز از نظر منشأ و سبب به دو گروه قراردادی و قانونی تقسیم می‌شود. حال به بررسی تطبیق هر یک از این دو نوع قائم‌مقامی با بحث انتقال دیون در ادغام شرکت‌های سهامی پرداخته می‌شود.

۴) ادغام قراردادی

برای بررسی اینکه آیا قراردادی که با عنوان ادغام منعقد می‌شود دارای اثر قائم‌مقامی است یا خیر باید قوانینی را که در مورد سازو کار ادغام وجود دارد بررسی کرد. لذا با

^۱. عبدالله، احمد عزالدین، پیشین.

^۲. کاتوزیان، ناصر، مقدمه علم حقوق، شرکت سهامی انتشار، چاپ چهل و چهارم، ۱۳۸۴، ص. ۲۶۶.

توجه به این موضوع که قانونگذار در رابطه با قراردادی بودن یا نبودن ادغام اشاره‌ای نکرده است، باید ماهیت این نهاد حقوقی بررسی شود که بحث در مورد این موضوع در این نوشته نمی‌گنجد ولی به‌هرحال برای اینکه چنین قراردادی، اثر قائم‌مقامی را به دنبال داشته باشد نیاز به تصریح قانون در این زمینه وجود دارد چرا که با توجه به اصول و مبانی حقوقی، هر تبدیل تعهد یا انتقال دینی نیاز به رضایت طلبکار دارد و اگر قانونگذار چنین رضایتی را لازم نمی‌داند تا به حکم آن اثر قائم‌مقامی را برای چنین قراردادی بار کند، باید آن را تصریح نماید (به نظر می‌رسد که این تصریح تنها در مورد قائم‌مقامی ناشی از انتقال حقوق دینی لازم است نه حقوق عینی). در نتیجه در صورتی که ادغام، نوعی قرارداد در نظر گرفته شود، که به‌محض انعقاد آن، طرف قرارداد، قائم‌مقام دیگری در کلیه دیون و تعهدات باشد؛ صرف‌نظر از تعیین و تشخیص ماهیت این قرارداد، نمی‌توان چنین اثری را از این قرارداد در قوانین پذیرفت چرا که علاوه بر مطالب فوق، قائم‌مقام دانستن شرکت پذیرنده ادغام، مساوی با در نظر نگرفتن حقوق طلبکاران شرکت ادغام‌شونده خواهد شد چرا که قلمرو اثرگذاری قراردادها نباید به‌گونه‌ای باشد که باعث تضییع حقوق اشخاص ثالث شود (اصل نسبی بودن قراردادها) و اگر قانونگذار بنا به مصالحی می‌خواهد این حق اشخاص ثالث را نادیده بگیرد، باید به‌وسیله تدوین کردن قانونی جامع، مصالح و منافع اشخاص ثالث را به‌گونه‌ای لحاظ کند.

۵) ادغام قانونی

اگر منشأ ادغام را قانون در نظر بگیریم، عنوان قائم‌مقامی عام در آن کاملاً صدق خواهد کرد چرا که در ادغام شرکت‌های سهامی، به‌واسطه حکم قانونگذار (ماده ۴۰ قانون برنامه چهارم و ماده ۱۰۵ قانون برنامه پنج‌ساله توسعه جمهوری اسلامی ایران) تمام حقوق و تعهدات و دیون شرکت ادغام‌شونده به شرکت پذیرنده ادغام منتقل می‌شود، و این همانند قائم‌مقامی عام وارث نسبت به تمام تعهدات و دیون مورث خود است. در نتیجه چون قانونگذار به آن تصریح کرده است، نیازی به رضایت طلبکاران شرکت ادغام‌شونده برای انتقال دیون یا حتی ادغام نیست.

مشابه این مقررات در حقوق آمریکا، فرانسه، انگلیس و حقوق داخلی نیز به چشم می‌خورد که ذیلاً به آن‌ها اشاره خواهد شد:

الف. حقوق آمریکا

در حقوق آمریکا، بعضی نویسندگان بر این اعتقادند که شرکت سهامی پذیرنده ادغام، جانشین یا قائم‌مقام شرکت سهامی ادغام‌شونده می‌شود زیرا با محو شرکت سهامی

پذیرنده ادغام، شرکت سهامی ادغام‌کننده به حکم قانون^۱، جانشین حقوق و تعهدات شرکت ادغام‌شونده می‌شود.^۲ در واقع، با انجام ادغام، مجموعه‌ای از اموال و حقوق و تعهدات شرکت سهامی ادغام‌شونده به صورت قانونی (قهری) به شرکت سهامی پذیرنده ادغام منتقل می‌شود و چنین حالتی را «جانشینی عام»^۳ می‌گویند. در حقوق آمریکا، قائم‌مقامی شرکت سهامی پذیرنده ادغام، مانند قائم‌مقامی عام وراث است بدین معنا که قائم‌مقامی آن ناظر به مال یا حق یا تعهد معین نیست، بلکه شامل کلیه اموال، حقوق و تعهدات می‌شود. پس از ادغام، شرکت سهامی پذیرنده ادغام به‌عنوان قائم‌مقام شرکت سهامی ادغام‌شونده می‌تواند حقوق شرکت سهامی ادغام‌شونده را استیفا کند. چنانچه شرکت سهامی ادغام‌شونده با اشخاص ثالث، قراردادی منعقد کرده باشد، شرکت سهامی پذیرنده ادغام به‌عنوان قائم‌مقام می‌تواند اجرای تعهدات قراردادی را از اشخاص ثالث بخواهد و همچنین اشخاص ثالث نیز می‌توانند اجرای تعهدات قراردادی شرکت سهامی ادغام‌شونده را از شرکت سهامی پذیرنده ادغام بخواهند. کلیه دعاوی له و علیه شرکت سهامی ادغام‌شونده به شرکت سهامی پذیرنده ادغام منتقل می‌شود و شرکت سهامی ادغام‌کننده می‌تواند به‌عنوان قائم‌مقام شرکت سهامی ادغام‌شونده آن‌ها را پیگیری و همچنین اشخاص ثالث می‌توانند دعاوی خود علیه شرکت سهامی ادغام‌شونده را به طرفیت شرکت سهامی پذیرنده ادغام اقامه کنند.^۴

ب. حقوق فرانسه:

در حقوق فرانسه نیز بعضی از حقوق‌دانان معتقدند ادغام واقعی موجب انتقال کلیه حقوق و تعهدات از شرکت تجاری ادغام‌شده به شرکت تجاری ادغام‌کننده می‌شود و شرایط و خصوصیات چنین انتقالی را مشابه با مقررات مربوط به ارث در نظر گرفته‌اند.^۵ می‌توان گفت که از نظر این حقوق‌دانان همان طور که به حکم قانون بعد از مرگ مورث، وراث قائم‌مقام عام مورث می‌شوند، ادغام واقعی نیز به حکم قانون موجب محو

^۱. By operation of law.

^۲. H. Lawrence Tafe, The De Facto Merger Doctrine Comes to Massachusetts Wherein the Exception to the Rule Becomes the Rule, Boston Bar Journal, November / December, ۱۹۹۸, p.۳.

بیگی حبیب‌آبادی، احمد، «نقد و بررسی ادغام شرکت‌های تجاری در لایحه قانون تجارت»، مجله پژوهش‌های حقوقی، شماره ۱۴، ۱۳۸۷، ص. ۸۵.

^۳. Universel succession.

^۴. RMBCA, ۱۹۹۹, Chapter. ۱۱.۰۷.

^۵. Jean - Pierre Le Gall & Paul Morel, op.cit, p۲۳۱.

شخصیت حقوقی شرکت یا شرکت‌های سهامی ادغام‌شده و جانشینی عام شرکت سهامی ادغام‌کننده می‌شود.

ج. حقوق انگلیس:

در حقوق انگلیس نیز شرکت سهامی ادغام‌کننده قائم‌مقام و جانشین شرکت سهامی ادغام‌شونده می‌شود، با این تفاوت که انتقال حقوق و تعهدات شرکت سهامی ادغام‌شونده به شرکت سهامی ادغام‌کننده منوط به دستور دادگاه است.^۱

د. حقوق داخلی:

در حقوق داخلی، در بعضی قوانین مربوط به ادغام واقعی شرکت‌های دولتی به جانشینی عام شرکت سهامی ادغام‌کننده اشاره شده است و قانونگذار با عبارات مختلفی از قبیل قائم‌مقام، جایگزین و جانشین، از شرکت ادغام‌کننده یاد کرده است. از این موارد می‌توان به موادی همچون ماده ۲۰ لایحه قانونی اداره امور بانک‌ها، مصوب ۱۳۵۸/۷/۷^۲، یا تبصره ۱ لایحه قانونی ادغام شرکت ملی ذوب آهن ایران و شرکت ملی صنایع فولاد ایران و تشکیل شرکت ملی فولاد ایران، مصوب ۵۸/۹/۲۸^۳، همچنین بند ۱ ماده واحده لایحه قانونی ادغام شرکت‌های وابسته به وزارت اطلاعات و تبلیغات، مصوب ۵۸/۲/۴^۴ اشاره کرد.

۱. بند a و b ماده ۹۰۴ قانون شرکت‌های تجاری، مصوب ۲۰۰۶ چنین مقرر می‌دارد:

موضوعاتی که دستور دادگاه می‌تواند متضمن آن باشد عبارتند از:

(الف) انتقال کل یا قسمتی از دارایی‌ها و اموال شرکت تجاری انتقال‌دهنده یا تعهدات آن به شرکت تجاری انتقال‌گیرنده....

(ج) تداوم دعاوی حقوقی له و علیه شرکت سهامی انتقال‌دهنده توسط شرکت سهامی انتقال‌گیرنده.

۲. ماده ۲۰ لایحه قانونی اداره امور بانک‌ها، مصوب ۱۳۵۸/۷/۷ در این زمینه چنین مقرر می‌دارد: «کلیه دارایی‌ها و بدهی‌های بانک‌های ادغام‌شده در یک گروه جزء دارایی و بدهی مشترک بانک مزبور محسوب می‌شود و بانک مذکور در مقابل اشخاص ثالث از هر جهت قائم‌مقام بانک‌های ادغام‌شده می‌باشد». (مجموعه قوانین ۱۳۵۸، ص. ۱۸۲)

۳. تبصره ۱ لایحه قانونی ادغام شرکت ملی ذوب آهن ایران و شرکت ملی صنایع فولاد ایران و تشکیل شرکت ملی فولاد ایران، مصوب ۵۸/۹/۲۸ چنین مقرر می‌دارد: «کلیه سرمایه و اموال و تأسیسات و دارایی و دیون و تعهدات هر دو شرکت به شرکت جدید منتقل می‌شود و شرکت جدید از تاریخ تشکیل جایگزین شرکت‌های سابق بوده و قراردادهایی که شرکت‌های مزبور با اشخاص منعقد نموده‌اند به قوت خود باقی بوده و به شرکت جدید منتقل می‌شود». (مجموعه قوانین ۱۳۵۸، ص. ۳۷۲)

۴. بند ۱ ماده واحده لایحه قانونی ادغام شرکت‌های وابسته به وزارت اطلاعات و تبلیغات، مصوب ۵۸/۲/۴ در این زمینه چنین مقرر می‌دارد: «از تاریخ تصویب این لایحه قانونی ارکان تشکیل‌دهنده شرکت‌های سهامی تأسیسات جهانگردی، گشت‌های ایران، مرکز خانه‌های ایران و سازمان مراکز جهانگردی برای

در قوانین جدید قانونگذار به‌طور کلی و مطلق این مطلب را بیان می‌کند که: «... کلیه حقوق و تعهدات، دارایی، دیون و مطالبات شرکت یا شرکت‌های موضوع ادغام، به شرکت پذیرنده ادغام یا شرکت جدید منتقل می‌شود». (قسمت الف) ماده ۱۰۵ قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۴-۱۳۹۰) مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۲۵ مجمع تشخیص مصلحت نظام و همچنین ماده ۴۰ قانون برنامه چهارم). در نتیجه می‌توان این چنین استنباط نمود که با توجه به اینکه علاوه بر انتقال تعهدات، حقوق نیز به‌واسطه این نص قانونی انتقال می‌یابد. در نتیجه نهاد انتقال دین و تبدیل تعهد، جایگاهی در ماهیت این انتقال نخواهد داشت چرا که موضوع این دو نهاد تنها دیون و تعهدات است، در حالی که طبق نص مذکور علاوه بر دیون و تعهدات، حقوق نیز منتقل می‌شود. بنابر این می‌توان گفت که این انتقال دیون به نهاد قائم‌مقامی عام نزدیک‌تر است.

با فرض عدم وجود ماده ۱۰۵ قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۴-۱۳۹۰) مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۲۵ مجمع تشخیص مصلحت نظام در مورد سایر شرکت‌های تجاری، در مورد شرکت‌های سهامی قائم‌مقامی عام شرکت ادغام‌کننده اصولاً امکان‌پذیر نبود زیرا اولاً مقررات مربوط به ادغام شرکت‌های سهامی دولتی یا شرکت‌های تعاونی قابل تسری به شرکت‌های سهامی خصوصی نیست. ثانیاً نهاد قائم‌مقامی عام، جز در موارد استثنائی مانند قائم‌مقامی عام ورثه پذیرفته نشده است^۱ و با انجام قرارداد نمی‌توان کلیه حقوق و تعهدات شخص دیگر را تملک نمود زیرا هر چند تملک دارایی‌های شرکت سهامی ادغام‌شونده با انجام قرارداد امکان‌پذیر است، لکن تملک دیون و تعهدات و قراردادهای آن با دشواری‌های خاصی روبه‌رو است. انتقال دیون و تعهدات شرکت سهامی ادغام‌شونده به شرکت سهامی ادغام‌کننده منوط به رضایت کلیه طلبکاران و اشخاص متعهدله است. ولی با توجه به تصویب این ماده، دیگر جای بیان شبهه‌ای در مورد تطبیق نهاد قائم‌مقامی عام در انتقال دیون در ادغام شرکت‌ها وجود ندارد چرا که در این ماده، علی‌رغم عدم ذکر مفهوم قائم‌مقامی عام؛ علاوه بر تأکید بر انتقال دیون و تعهدات، واژه «حقوق» نیز بیان شده است که با توجه

ورزش‌های زمستانی ادغام و سازمانی به نام سازمان مراکز ایرانگردی و جهانگردی به‌صورت شرکت سهامی وابسته به وزارت اطلاعات و تبلیغات ایجاد و جانشین شرکت‌های فوق می‌شود. کلیه کارکنان و بودجه و دارایی و دیون و تعهدات و همچنین سرمایه شرکت‌های مذکور به این سازمان منتقل خواهد شد». (مجموعه قوانین ۱۳۵۸، ص. ۱۳)

۱. کاتوزیان، قواعد عمومی قراردادهای پیشین، ص. ۲۷۹.

به مفهوم قائم‌مقامی عام که در بالا بیان شد تطبیق این مفهوم را با ماده مذکور می‌توان دریافت.

در نتیجه با فرض اینکه ماهیت انتقال دیون، قائم‌مقامی قانونی، آن هم از نوع عام آن باشد دیگر نیاز به رضایت طلبکاران در مورد ادغام شرکت ادغام‌شونده نخواهد بود و این مزیت را به همراه خواهد داشته که در صورتی که طبق نص قانون، این ادغام موجب تمرکز و بروز قدرت انحصاری نشود، باعث حمایت از اصل سرعت و امنیت در روابط تجاری خواهد بود و ما نیز در روابط تجاری برای رسیدن به این اصل تلاش می‌کنیم. با وجود اینکه قائم‌مقامی شرکت پذیرنده ادغام به جای شرکت ادغام‌شونده به حکم قانون و همسو با اصل سرعت صورت می‌گیرد اشکالات فنی حقوقی به شرح زیر وجود دارد:

آیا با ادغام شرکت‌های سهامی و به طریق اولی شرکت‌های سرمایه، حقوق طلبکاران شرکت تزییع نمی‌شود؟ ممکن است شرکت پذیرنده ادغام، طلبکاران زیادی داشته باشد و به این ترتیب وثیقه‌های عمومی پرداخت طلب طلبکاران شرکت ادغام‌شونده کاهش یابد. در این صورت آیا حقوق آن‌ها تزییع نمی‌شود؟ چه راهکاری برای حل این معضل وجود دارد؟

برای حل این معضل، نخست در ماده ۸۰۷ لایحه جدی اصلاح قانون تجارت، در ادغام یک‌جانبه، ممنوعیت‌هایی به شرح ذیل پیش‌بینی شده است:

- ۱- ادغام شرکت سهامی عام در خاص
- ۲- ادغام شرکت سهامی عام در مسئولیت محدود
- ۳- ادغام شرکت سهامی عام غیر بورسی در بورسی
- ۴- ادغام شرکت سهامی عام بورسی در غیر بورسی
- ۵- ادغام شرکت تضامنی در سایر شرکت‌ها
- ۶- ادغام شرکت تضامنی در تضامنی با موافقت اکثر شرکا

دغدغه اصلی در این ماده، حفظ حقوق بستانکاران شرکت قبلی و شرکت یا شرکت‌های جدید بوده است. اما برای معضل دوم در ماده ۸۱۵ لایحه، به بستانکاران حق داده شده تا ظرف دو ماه از تاریخ انتشار آگهی، ادغام به آن اعتراض کنند و از دادگاه تقاضا کنند تا نسبت به صدور دستور موقت مبنی بر تأخیر در ثبت ادغام تا ارائه وثیقه کافی از سوی شرکت یا جلب رضایت بستانکار اقدام کند.

چند ابهام در مورد این مقرره‌ها وجود دارد؛ از جمله اینکه چرا ممنوعیت‌ها در ماده ۸۰۷ لایحه فقط ناظر به ادغام یک‌جانبه است در حالی که علت حکم، در ادغام دو یا چندجانبه نیز وجود دارد؟ آیا مقصود از بستانکاران در ماده ۸۱۵ لایحه، تمامی اشخاص

متعهدله است یا فقط ناظر به آن دسته از اشخاص متعهدله است که مستحق دریافت پول یا مال هستند؟ زیرا واژه بستانکار در ارتکازات عرفی ناظر به گروه اخیر است. به هر حال به نظر می‌رسد که به طور کلی، اعطای حق اعتراض به طلبکاران یا افراد ذی‌نفع در امر ادغام، در کنار مقررات مبتنی بر قائم‌مقامی عام شرکت پذیرنده ادغام، باعث می‌شود بین حقوق متعارض و اصول حاکم بر مقررات تجاری جمع شود.

۳-۱-۲. آثار ادغام بر اشخاص حقیقی و حقوقی بستانکار از شرکت‌های پذیرنده ادغام

سؤال مطرح در این قسمت، آن است که انعقاد قرارداد ادغام، چه تأثیری بر حقوق طلبکاران شرکت پذیرنده ادغام دارد؟

با توجه به این مطلب که ادغام شرکت‌ها، غالباً سبب تقویت مدیریت شرکت، افزایش کمی و کیفی محصولات، کاهش هزینه‌های تولید، افزایش کارایی و بهره‌وری، افزایش ارزش سهام، بقای شرکت و جلوگیری از ورشکستگی آن، کسب دانش فنی شرکت رقیب، کاهش دست واسطه‌ها و دلالت، استفاده از امکانات و فناوری سایر شرکت‌ها، بازاریابی و صرفه‌جویی در زمان، وجود مزایای مالیاتی، حذف مشاغل اضافی و موازی و ... می‌شود و از طرف دیگر، ارزش هر طلب، وابسته به دارایی و اعتبار مالی مدیون است می‌توان چنین نتیجه گرفت که ادغام شرکت‌ها، در اکثر قریب‌به‌اتفاق موارد، باعث افزایش سرمایه و اعتبار مالی شرکت پذیرنده ادغام است لذا با ادغام شرکت‌ها، نه تنها هیچ خللی به حقوق طلبکاران شرکت پذیرنده ادغام وارد نمی‌شود بلکه یک پشتوانه محکمی برای طلب آن‌ها خواهد بود.

با وجود مطالب فوق به نظر می‌رسد که در عمل، همواره وضع چنین نیست و باید همانند مورد سابق برای طلبکاران شرکت پذیرنده ادغام نیز حق اعتراضی قائل شد.

۳-۲. آثار ادغام بر اشخاص حقیقی و حقوقی بدهکار

در این فرض این موضوع بررسی می‌شود که ادغام شرکت‌ها، چه اثری بر تعهدات بدهکاران شرکت‌های ادغام‌شونده و پذیرنده ادغام دارد؟ ذیلاً با بیان نظریه انتقال طلب، اثر ادغام را بر بدهکاران هریک از شرکت‌های ادغام‌شونده و پذیرنده ادغام، به طور جداگانه، مورد مذاقه قرار می‌دهیم.

۳-۲-۱. آثار ادغام بر اشخاص حقیقی و حقوقی بدهکار به شرکت‌های ادغام‌شونده

چنان‌که می‌دانیم با ادغام شرکت‌ها، علاوه بر تعهدات، حقوق شرکت ادغام‌شونده نیز به شرکت پذیرنده ادغام انتقال می‌یابد که از جمله این حقوق، طلب‌های شرکت ادغام‌شونده از اشخاص حقیقی و حقوقی مرتبط است. بنابراین مهم‌ترین سؤال که ذیل این عنوان مطرح می‌شود آن است که آیا رضایت بدهکاران برای انتقال طلب از شرکت ادغام‌شونده به شرکت پذیرنده ادغام، ضروری است؟ پس از توضیح مختصری پیرامون مفهوم انتقال طلب، به تحلیل و تطبیق این نظریه در خصوص سؤال مطروحه می‌پردازیم و نظر مختار را ارائه می‌دهیم.

همان‌طور که گفته شد به جابه‌جایی طلب از دارایی طلبکار به دارایی دیگری، انتقال طلب گفته می‌شود. در این جابه‌جایی، انتقال‌گیرنده، از هر حیث جانشین انتقال‌دهنده می‌شود و از همان مزایا برخوردار است. پس مالک جدید طلب، مانند دست‌پیشین خود، می‌تواند آن را با همان شرایط از مدیون مطالبه کند؛ در اجرای حق از تضمین‌های طلب سود برد و در برابر دیگران به آن استناد نماید. در برابر، او نمی‌تواند بیش از آنچه انتقال گرفته است ادعا کند یا دفاعی را که مدیون می‌توانست در برابر انتقال‌دهنده بکند متوجه خود نداند.^۱ نکته دقیقی که باید به آن توجه کرد تفاوت انتقال طلب با تبدیل تعهد است که از جمله می‌توان به این تفاوت اشاره کرد که در انتقال طلب، طلب با همه مزایا و محدودیت‌های آن، از انتقال‌دهنده (طلبکار سابق) به انتقال‌گیرنده (طلبکار جدید) منتقل می‌شود ولی در تبدیل تعهد به معنای خاص کلمه، تغییر و دگرگونی در خود تعهد رخ می‌دهد نه در طلبکاران آن طلب. به همین جهت است که ماده ۲۹۳ قانون مدنی در تبدیل تعهد، اصل را بر عدم انتقال تضمینات تعهد سابق به تعهد لاحق معرفی می‌کند در حالی که در انتقال طلب، اصل بر انتقال توابع طلب و عدم تغییر در آن است. (به برخی تفاوت‌های دیگر، متعاقباً اشاره خواهد شد).

انتقال طلب نیز مانند انتقال دین، ممکن است به صورت قهری در اثر مرگ طلبکار و انتقال طلب به وارثان یا به صورت قراردادی میان طلبکار و شخص ثالثی اتفاق افتد. در صورت اخیر، عقد حواله مصداق بارز آن به حساب می‌رود ولی باید

^۱. کاتوزیان، نظریه عمومی تعهدات، پیشین، ص. ۲۴۸.

توجه داشت که انتقال طلب، محدود به هیچ عقد معین یا غیرمعینی نیست. با عنایت به مطالب بالا می‌توان بند ۳ ماده ۲۹۲ را مصداقی از انتقال طلب دانست. حال به سؤال اصلی این عنوان، یعنی بررسی اعتبار رضایت مدیون شرکت ادغام‌شونده در خصوص ادغام شرکت متعهد له (طلبکار)، باز می‌گردیم. به عبارت ساده‌تر، آیا رضای مدیون (شخص حقیقی یا حقوقی بدهکار به شرکت ادغام‌شونده) در انتقال طلب به شرکت پذیرنده ادغام نقشی دارد یا خیر؟

با توجه به آنکه قرارداد انتقال طلب، میان طلبکار و انتقال‌گیرنده واقع می‌شود و مدیون در انعقاد آن نقشی ندارد و نیز مستنداً به بند ۳ ماده ۲۹۲ قانون مدنی می‌توان گفت که رضایت بدهکار در انتقال طلب از طلبکار (شرکت ادغام‌شونده) به ثالث (شرکت پذیرنده ادغام) معتبر و لازم نیست و شرکت اخیر، از هر جهت قائم‌مقام شرکت ادغام‌شونده (طلبکار سابق) می‌شود. اکنون می‌توان به تفاوت دیگری میان انتقال طلب و تبدیل تعهد اشاره کرد و آن این است که در انتقال طلب، مدیون نقشی ندارد و چهره انفعالی به خود می‌گیرد یعنی رضایت او شرط نیست در حالی که در تبدیل تعهد، رضایت و قصد انشایی او لازم است زیرا اوست که باید التزام جدید را بر عهده بگیرد و یکی از ارکان عمل حقوقی انتقال باشد. اوست که باید رابطه تازه را با طلبکار جدید برقرار کند و در واقع یکی از دو پایگاه این پیوند است. در تأیید این نظر می‌توان به نکته‌ای در فقه امامیه تمسک کرد. نظر مشهور در فقه امامیه^۱ آن است که رضایت مدیون در عقد حواله لازم نیست زیرا محال‌علیه در هر حال باید دین خود را بپردازد چه به محیل چه به نائب او (یعنی محتال). بنابراین رضایت «من علیه الحق» لازم نیست همان‌طور که اگر محیل (طلبکار سابق)، محتال (طلبکار جدید) را وکیل خود در قبض مال یا دین قرار می‌داد رضایت محال‌علیه شرط نبود^۲. به عبارت دیگر، مدیون فقط حامل حق است؛ قبلاً باید بدهی خود را به طلبکار سابق می‌داد و این بار باید آن را به مالک جدید طلب بدهد.

^۱ لان المحیل قد اقام المحتال مقام نفسه فی القبض بالحواله، فلا وجه لافتقار الی رضا من علیه الحق، كما لو وکله فی القبض.

^۲ عاملی، زین الدین بن علی (شهید ثانی)، پیشین، ص. ۲۱۶.

۳-۲-۲ آثار ادغام بر اشخاص حقیقی و حقوقی بدهکار به شرکت‌های پذیرنده ادغام

صحت پیرامون اثر ادغام، بر بدهکاران شرکت پذیرنده ادغام (اعم از اشخاص حقیقی و حقوقی) بسیار ساده‌تر از مورد قبل است چرا که در این مورد، نه طلبکار تغییر کرده است نه بدهکار و نه حتی دین بین آن‌ها. لذا چون هیچ تغییری در روابط دو طرف دین یا خود دین ایجاد نشده است باید گفت که ادغام شرکت‌ها، هیچ تأثیری بر روابط حقوقی بدهکاران با شرکت پذیرنده ادغام ندارد.

نتیجه

در این مقاله آثار ادغام شرکت‌های سهامی بر حقوق و تعهدات طلبکاران و بدهکاران غیرسهام‌دار هر یک از شرکت‌های طرف قرارداد ادغام به شرح ذیل بررسی شد: قسمت اول - بیشترین چالش‌ها و ابهامات پیرامون آثار ادغام بر حقوق طلبکاران شرکت ادغام‌شونده مطرح است و در این خصوص به سه نظریه مهم حقوقی اشاره شد: الف) نظریه اول، نظریه انتقال دین است که ممکن است اولاً به نحو قراردادی و ثانیاً به صورت غیرمستقیم در مورد ادغام شرکت‌ها مطرح شود لکن این نظریه قابل دفاع نیست زیرا اگر اثر قرارداد، ادغام انتقال دین باشد از آنجایی که این قرارداد فقط بین مدیونین (شرکت ادغام‌شونده و شرکت پذیرنده ادغام) منعقد شده است و طلبکار در این قرارداد انتقال دین، نقشی نداشته و در حقوق ایران به دلیل اینکه خلاف قواعد عمومی قراردادها (اصل نسبی بودن قراردادها مواد ۲۳۱ و ۱۹۶ ق.م) است، قابل پذیرش نیست.

ب) نظریه دوم، یعنی نظریه تبدیل تعهد از طریق تبدیل مدیون را نیز نمی‌توان در مورد انتقال دیون در ادغام شرکت‌های سهامی پذیرفت زیرا علاوه بر اینکه طرفین، قصدی بر ایجاد تعهد جدید ندارند، مقصود اصلی آن‌ها نیز انتقال دیون شرکت ادغام‌شونده با تمام ویژگی‌های آن به شرکت پذیرنده ادغام است. از طرف دیگر، شرکت‌های ادغام‌شونده و پذیرنده ادغام، تعهد و دیون قبلی را ساقط نمی‌کنند تا به واسطه این سقوط، تعهد جدیدی را تراضی نمایند. همچنین اصل عدم تبدیل تعهد مؤید این نظر خواهد بود. ولی در هر صورت اگر این عمل حقوقی را تبدیل تعهد هم در نظر بگیریم، طلبکاران شرکت ادغام‌شونده برای این تبدیل تعهد باید رضایت داشته باشند.

ج) در بحث تطبیق قائم‌مقامی ابتدا باید به این نکته توجه نمود که اگر انتقال دیون به واسطه ادغام شرکت‌ها را قائم‌مقامی تلقی کنیم، این قائم‌مقامی از نوع قائم‌مقامی در اثر انتقال مال خواهد بود نه قائم‌مقامی در اثر پرداخت. نکته دیگر آنکه اولاً در ادغام شرکت‌ها، سازو کار جامعی برای قرارداد ادغام از طرف قانونگذار پیش‌بینی نشده است و ثانیاً به دلیل اینکه در ادغام، تمام دیون و تعهدات منتقل می‌شود و نه مال خاص، این قائم‌مقامی از نوع قائم‌مقامی خاص نیز نخواهد بود و تنها می‌توان امکان تطبیق قائم‌مقامی عام را بر انتقال دیون به واسطه ادغام شرکت‌ها پذیرفت. این نظر با توجه به وجود نص خاص قانونگذار در این خصوص قابل قبول به نظر می‌رسد و با توجه به دلایل زیر باید اثر ادغام را بر طلبکاران شرکت ادغام‌شونده، همانند نهاد حقوقی ارث،

قائم‌مقامی عام شرکت پذیرنده ادغام دانست که اصولاً نیاز به رضایت اشخاص ثالث و از جمله طلبکاران شرکت ادغام‌شونده ندارد:

۱. سازگاری با اهداف و قواعد حاکم بر معاملات تجاری از جمله ایجاد سرعت و امنیت در معاملات؛ زیرا در صورتی که هریک از آثار تبدیل تعهد یا انتقال دین را به‌عنوان اثر ادغام شرکت‌ها در نظر بگیریم، ماهیت آن‌ها مستلزم رضایت طلبکاران برای این ادغام خواهد بود که این عمل باعث کندی و ایجاد مانع در ادغام شرکت‌ها خواهد شد. در صورتی که اگر اثر ادغام را قائم‌مقامی عام در نظر بگیریم چنین کسب رضایتی برای ادغام شرکت‌ها نیاز نخواهد بود و این مانع را از بین خواهد برد چرا که این اثر ناشی از اراده قانونگذار است.

۲. عدم قابلیت تطبیق با اثراتی همچون تبدیل تعهد و انتقال دین به دلایلی که مطرح شد از جمله رضایت اشخاص ثالثی مثل طلبکاران نسبت به ادغام.

۳. در تأیید دلایل مطرح‌شده می‌توان به سوابق قانونگذاری در حقوق آمریکا، فرانسه و انگلیس اشاره کرد که اثر ادغام را قائم‌مقامی عام شرکت پذیرنده ادغام در نظر گرفته‌اند.

قسمت دوم- در مورد آثار ادغام بر طلبکاران شرکت پذیرنده ادغام باید چنین گفت که چون ادغام شرکت‌ها در اکثر قریب‌به‌اتفاق موارد، باعث افزایش سرمایه و اعتبار مالی شرکت پذیرنده ادغام است لذا با ادغام شرکت‌ها، معمولاً هیچ خللی به حقوق طلبکاران شرکت پذیرنده ادغام وارد نمی‌شود بلکه پشتوانه محکمی برای طلب آن‌ها خواهد بود. با وجود این پیشنهاد می‌شود که برای حفظ امنیت روابط تجاری در کنار سرعت، به طلبکاران شرکت‌های طرف ادغام نیز حق اعتراض داده شود.

قسمت سوم- در تحلیل آثار ادغام بر بدهکاران شرکت ادغام‌شونده، نظریه انتقال طلب را مطرح شد که با توجه به مفهوم این نظریه و اینکه طلب صرفاً از دارایی شرکت ادغام‌شونده (طلبکار اول) به دارایی شرکت پذیرنده ادغام (طلبکار دوم) جابه‌جا می‌شود رضایت مدیونین (بدهکاران شرکت مشارالیه) در این انتقال لازم نیست. لذا می‌توان گفت که قرارداد ادغام بر تعهدات بدهکاران نقشی ندارد.

قسمت چهارم- قرارداد ادغام، بر تعهدات بدهکاران شرکت پذیرنده ادغام نیز هیچ تأثیری ندارد زیرا با چنین عقدی نه طرفین دین (یعنی طلبکار و بدهکار) و نه خود دین، هیچ تغییری نمی‌کند.

در پایان باید به این مطلب اشاره کرد که با توجه به رشد و توسعه اقتصادی کشور و سیاست دولت در خصوصی‌سازی شرکت‌ها، به‌ویژه با قانونی‌شدن این سیاست [با تصویب قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ مصوب ۸۷/۳/۲۵ مجمع تشخیص مصلحت نظام و قانون برنامه پنجم توسعه اقتصادی، ... (۱۳۹۴-۱۳۹۰) مصوب ۸۹/۱۰/۲۵] و نیز با عنایت به کثرت شرکت‌های سهامی در ایران و وجود مزایای فراوان ادغام شرکت‌ها از یک‌سو، و وجود آثار و نتایج نامطلوب ادغام شرکت‌ها از سویی دیگر؛ پیش‌بینی می‌شود بحث ادغام شرکت‌ها و تأثیر قواعد و قوانین حقوق رقابت بر آن‌ها در یکی دو دهه آینده، از مهم‌ترین مسائل کشور در خصوص شرکت‌ها باشد. افزون بر این، تأکیدات مقام معظم رهبری مبنی بر اهمیت رشد اقتصادی و نیل به عدالت اجتماعی و جلوگیری از اختلال در رقابت و کاستن بار مالی و مدیریتی دولت در تصدی فعالیت‌های اقتصادی و افزایش سطح اشتغال عمومی و نیز شتاببخشیدن به رشد اقتصاد ملی، ارتقای کارایی بنگاه‌های اقتصادی و بهره‌وری منافع مادی و انسانی و فناوری، افزایش رقابت‌پذیری در اقتصاد و ...، از طریق فرآیندی به نام خصوصی‌سازی، ادغام و تجزیه شرکت‌ها میسر است. لکن باوجود همه این ضروریات، سازوکار جامعی در مورد قراردادهای ادغام شرکت‌های سهامی وجود ندارد. لذا قانونگذاری و وضع قواعد خاص پیرامون این قرارداد و تعیین ماهیت و آثار و تبعات ناشی از آن، به‌شدت احساس می‌شود. امید است با تقنین جامع و مانع در این حوزه، خلأهای قانونی در این زمینه برطرف شود و به اهداف اقتصادی منظور در حقوق تجارت به‌ویژه حقوق شرکت‌ها نایل آییم و الا بر اساس قواعد عمومی قرارداد های مدنی، رضایت طلبکاران شرکت ادغام‌شونده برای تنفیذ و صحت قرارداد ادغام لازم است هرچند که طرفین قرارداد، خلاف آن را در قراردادشان تصریح نمایند.

منابع:

الف - فارسی

- اسکینی، ربیعا، حقوق تجارت، شرکت‌های تجاری، جلد اول، شرکت چاپ و نشر بازرگانی، چاپ چهارم، ۱۳۷۹.
- امامی، سیدحسن، حقوق مدنی، جلد اول، انتشارات اسلامی، ۱۳۶۳.
- بیگی حبیب‌آبادی، احمد، نقد و بررسی ادغام شرکت‌های تجاری در لایحه قانون تجارت، مجله پژوهش‌های حقوقی، شماره ۱۴، ۱۳۸۷.
- _____، مطالعه تطبیقی ادغام شرکت‌های سهامی در حقوق انگلیس و آمریکا، رساله دوره دکتری، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۰.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، انتشارات بنیاد راستار، ۱۳۶۳.
- _____، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، جلد چهارم، انتشارات گنج دانش، ۱۳۷۸.
- دارویی، عباسعلی، قائم‌مقامی با پرداخت، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، رساله دوره دکتری، دانشگاه تهران، ۱۳۸۳.
- دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه دهخدا، ج ۱، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۲.
- رشوند بوکانی، مهدی، حقوق رقابت در فقه امامیه، حقوق ایران و اتحادیه اروپا، رساله دوره دکتری، دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۸۸.
- شهیدی، مهدی، حقوق مدنی ۳، تعهدات، انتشارات مجد، چاپ سیزدهم، ۱۳۸۸.
- شهیدی، مهدی، سقوط تعهدات، انتشارات مجد، چاپ نهم، ۱۳۸۸.
- صفایی، حسین، دوره مقدماتی حقوق مدنی (قواعد عمومی قراردادها)، جلد دوم، میزان، چاپ ششم، ۱۳۸۷.
- صفایی، حسین، قاسم‌زاده، مرتضی، حقوق مدنی: اشخاص و محجورین، سمت، ۱۳۸۹.
- عاملی، زین‌الدین بن علی (شهید ثانی)، الروضه البهیه فی شرح اللمعه الدمشقیه، ج ۲، تصحیح و اعراب: مصطفی نصراللهی و ابراهیم محمدی، ارغوان دانش، قم، ۱۳۸۴.
- عبدالله، احمد عزالدین، معجم القانون، القا، هیئته العامه لشئون المطابع الأميریه، ۱۴۲۰ هـ.ق.
- عمید، حسن، فرهنگ عمید، مؤسسه انتشارات امیر کبیر، ۱۳۶۹.

- کاتوزیان، ناصر، **حقوق مدنی (عقود اذنی-وثیقه‌های دین)**، دوره عقود معین (جلد چهارم)، شرکت سهامی انتشار، چاپ پنجم، ۱۳۸۵.
- کاتوزیان، ناصر، **حقوق مدنی، قواعد عمومی قراردادها**، جلد سوم، تهران، شرکت سهامی انتشار، چاپ پنجم، ۱۳۸۷.
- کاتوزیان، ناصر، **مقدمه علم حقوق**، شرکت سهامی انتشار، چاپ چهل و چهارم، ۱۳۸۴.
- کاتوزیان، ناصر، **نظریه عمومی تعهدات**، میزان، چاپ پنجم، ۱۳۸۹.
- معین، محمد، **فرهنگ فارسی**، نشر سپهر، چاپ هشتم، ۱۳۷۱.
- مولودی، محمد، **قائم‌مقام خاص متعاقدین**، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۶۴، تابستان ۱۳۸۳.

ب - انگلیسی

- John J. Hampton, **Financial Decision Making**, Concepts, Problems, And Cases, ۴th ed., New Delhi: Prentice Hall of India, ۱۹۹۰.
- Joseph R. Nolan & Jacqueline M. Nolan-Haley, **Black's law Dictionary**, ۶th ed, New York, West Publishing Company, ۱۹۹۰.
- Kenneth W. Clarkson & Roger LeRoy Miller, **Industrial Organization, Theory, Evidence, and Public Policy**, London, McGraw - Hill Book Company, ۱۹۸۲.
- Edwin W. Miller, **Merger & Acquisition**, Blackwell, New York, ۳rd ed, ۲۰۰۸.
- Stephen A. Ross & Jeffery F. Jaff, **Corporate Finance**, ۳rd ed, Richard d. Irwin Publisher, Tokyo, ۲۰۰۴.
- Verena Kusstatscher, Cary L Cooper, **Managing Emotion in Merger and Acquisition**, Edward Elgar Publishing, Uk ,۲۰۰۵.